

## قرآن در آینه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی\*

### مقدمه

قرآن گنجینه نهفته‌ای از حقایق است که گذشت زمان و مرور ایام، پیشرفت علوم و دانش‌های گوناگون بشر، نه تنها گردوغباری بر دامن آن نپاشیده است و چهرهٔ پرفروغ آن را پنهان نمی‌کند، بلکه با پیشرفت دانش‌های نوین نکته‌های گهرین اعجاز آن پرده از رخسار بر می‌دارد. قرآن آخرین و کامل‌ترین وحی نامۀ الهی است که به عنوان معجزه جاودان بر آخرین سفیر آسمانی نازل شد. قرآن چون دریایی است که خرد جستجوگران ژرف‌اندیش را وادار می‌کند با تحقیق و پژوهش تا اعماق آن سفر نمایند و گوهر درخشان معنا را از صدف الفاظ و کلمات وحی بیرون آورند. مهم‌ترین نکته دربارهٔ قرآن این است که نخستین مُعَرِّف و اولین مفسر قرآن خودش است؛ از این رو در این نوشتار کوتاه قرآن کریم را در آینهٔ تمام‌نمای آیات خودش به تماشا نشستیم و جلوه‌ای از حقیقت قرآن را در قرآن باز شناسانده‌ایم و به تشنگان وادی معرفت عرضه کرده‌ایم. این سخن آبیست از دریای بی پایان عشق تا جهان را آب بخشد جسم‌ها را جان<sup>۱</sup>

### ۱. نور مبین

قرآن کریم در آیات متعدد خود را «نور مبین» معرفی کرده است؛ از جمله: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»<sup>۲</sup>؛ همانا از جانب خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است. در آیه‌ای دیگر فرمود: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»<sup>۳</sup>؛ نوری تابان به شما فرستادیم. نیز فرمود: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَ

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، دیوان شمس، غزل ۷۲۹.

۲. مانند: ۱۵.

۳. نساء: ۱۷۴.

رَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا<sup>۱</sup>: پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان آورید. به گفته مفسرین کلمه «مبین» عطف تفسیری برای نور و مراد از «نور مبین» قرآن کریم است.<sup>۲</sup> در آیات یادشده و مانند آنها از قرآن به نور تعبیر شده است؛ نور چیزی است که خود آشکار باشد و موجودات دیگری از پرتو شعاع تابش او آشکار شوند. حکما می‌گویند: «النُّورُ الظَّاهِرُ فِي نَفْسِهِ وَالْمُظْهِرُ لِغَيْرِهِ».<sup>۳</sup> در کلام امیر بیان علیه السلام نیز از قرآن به نور درخشان و روشنایی فراگیر یاد شده است: «وَالنُّورِ السَّاطِعِ وَ الصَّيَّاءِ اللَّامِعِ».<sup>۴</sup> منظور امام علیه السلام در این سخنان که: قرآن چراغ روشنی است که نور آن به خاموشی نمی‌گراید، این است که با توجه به اینکه به طور معمول پدیده‌های جهان پس از مدتی مندرس شده و از بین می‌روند، قرآن معجزه جاوید و همیشگی است و حقایق و مفاهیم آیات آن موقت و محصور در زمان و مکان خاص نیست، بلکه آیات آن همیشه نو و زنده است که هرچه زمان بگذرد، باطراوت‌تر و شاداب‌تر خواهد شد. نور بودن قرآن از آن‌روست که قلب را روشن می‌کند، راه حق را نشان می‌دهد، حق را از باطل جدا می‌کند، فردای قیامت اهل خود را به بهشت می‌برد، نامه عمل را سفید می‌کند و هر آیه‌ای حافظش را یک‌درجه در بهشت بالا می‌برد که به او می‌گویند: «أَقْرَأُ وَ أَزُقُ».<sup>۵</sup>

## ۲. شفا بخشی

قرآن خود را نسخه شفا معرفی کرده است: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۶</sup> و ما آنچه از قرآن فرستیم، شفا و رحمت برای اهل ایمان است. در آیه دیگر می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۷</sup> ای مردم عالم، به حقیقت نامه‌ای که همه پند و اندرز و شفای دل‌ها و هدایت و رحمت بر مؤمنان است از جانب خدای تان آمده است.

در این آیه چهار مرحله از مراحل تربیت و تکامل انسان را در سایه قرآن شرح داده شده است:

۱. تغابن: ۸.

۲. ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۴.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، بدایة الحکمه، فصل ۵، ص ۱۶.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۷.

۶. اسراء: ۸۲.

۷. یونس: ۵۷.

\* مرحله موعظه و اندرز؛

\* مرحله پاکسازی روح انسان از انواع رذایل اخلاقی؛

\* مرحله هدایت که پس از پاکسازی انجام می‌گیرد؛

\* مرحله‌ای که انسان لیاقت آن را پیدا کرده است که مشمول رحمت و نعمت پروردگار شود. هر کدام از این مراحل به دنبال دیگری قرار دارد و جالب اینکه تمام آنها در پرتو قرآن انجام می‌گیرد؛ قرآن انسان‌ها را اندرز می‌دهد؛ قرآن زنگار گناه و صفات زشت را از قلب انسان می‌شوید؛ قرآن نور هدایت را به دل‌ها می‌تاباند؛ نیز قرآن نعمت‌های الهی را بر فرد و جامعه نازل می‌گرداند.

علی علیه السلام در گفتار جامع خود در نهج البلاغه با رساترین تعبیر این حقیقت را توضیح داده است: «فَأَسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ أَسْتَعِينُوا بِهِ عَلَي لَأُوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغِيءُ وَ الضَّلَالُ»<sup>۱</sup>: از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بطلبید و به آن برای حل مشکلات تان استعانت بجوید؛ چراکه در قرآن شفای بزرگ‌ترین دردهاست که آن درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که قرآن نسخه‌ای برای بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی است و این همان حقیقتی است که مسلمانان آن را به دست فراموشی سپرده‌اند و به جای اینکه از این داروی شفابخش بهره‌گیرند، درمان خود را در مکتب‌های دیگر جستجو می‌کنند.<sup>۲</sup>

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «قرآن مجید نه تنها داروی دردهاست، بلکه شفای هرگونه بیماری انسان‌ها می‌باشد؛ چون انسان دارای شیون فراوان نظری و عملی است و جهل، مهم‌ترین مرض عقل نظری بشر به شمار آمده، ضلالت و گمراهی، بدترین بیماری عقل عملی انسان محسوب می‌شود. لذا قرآن کریم هم بیماری‌های علمی بشر را گوشزد کرده، شفای آن را شرح داد و هم مرض‌های عملی انسان را برشمرده، علاج آن را تبیین کرد تا هم در رسالت تعلیم کتاب و حکمت کامیاب شود و هم در سفارت تزکیه نفوس و تهذیب قلوب موفق گردد».<sup>۳</sup>

زهی کلام تو محض هدایت و حکمت

زهی پیام تو عین عنایت و رحمت

کشید کلام تو اهل عرفان را

ز شوره‌زار خساست به گلشن همت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۱۸.

۳. پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی به دانشجویان و استادان دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۱۳۷۵/۹/۱.

بنابراین قرآن نه تنها شفای امراض روحی و اخلاقی، بلکه نسخه شفابخش بیماری جان و تن است. امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند: «هر که مریض شود، سر را در گریبان خویش برده و هفت مرتبه سوره حمد را بخواند؛ عافیت نصیب او خواهد شد و اگر خوب نشد، هفتاد مرتبه بگوید، من ضامنم که خوب خواهد شد». <sup>۱</sup> البته این تأثیرگذاری منوط به تحقق دیگر شرایط است.

میزان تأثیرگذاری قرآن و شفادهی روحی آن به گونه‌ای است که غیر مسلمان را نیز تحت تأثیر قرار داده است و از گمراهی نجات می‌دهد. هم‌زمان با جنگ جهانی دوم انگلستان به عنوان یکی از طرف‌های جنگ برای اینکه بتواند مسلمانان اروپا را با خود همراه کند، گاهی تلاوت قرآن از رادیو لندن پخش می‌کرد که از جمله این تلاوت‌ها آثار شیخ رفعت بود. در همین زمان خلبانی انگلیسی با شنیدن صدای آسمانی شیخ رفعت بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و از دوستانش درباره این آوای زیبا سؤال کرد که به او گفتند این نوای قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است. خلبان قرآنی تهیه کرد و پس از مطالعه آن بیشتر علاقمند شد و در ادامه برای دیدن شیخ رفعت راهی مصر شد و در نهایت به اسلام گروید. <sup>۲</sup>

### ۳. حکمت‌نامه آسمانی

قرآن خود را آموزه حکمت و نازل شده از نزد خدای حکیم معرفی می‌نماید: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» <sup>۳</sup> این قرآن کتابی است دارای آیاتی محکم که از جانب خدایی حکیم و آگاه به تفصیل و بسیار روشن بیان گردیده است. در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» <sup>۴</sup> سوگند به قرآن [محکم و] حکمت‌آموز.

کلمه «حکیم» هم به معنای «ذوالحکمة» و هم به معنای محکم است؛ نظیر آیه اول سوره هود که فرمود: «أَحْكَمْتَ آيَاتِهِ»؛ بنابراین قرآن حکمت‌نامه محکم است. آن‌گونه که فلاسفه و برخی مفسران گفته‌اند حکمت عبارت است از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد؛ یعنی به گونه‌ای مشتمل بر سعادت بشر باشد، مانند معارف الهی درباره مبدأ و معاد یا اگر مشتمل بر معارفی از حقایق عالم طبیعی است، معارفی باشد که با سعادت انسان سروکار داشته باشد،

۱. شیخ طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. <https://www.farsnews.ir/news/13990827000331>

۳. هود: ۱.

۴. یس: ۲.

مانند حقایق فطری که اساس تشریحات دینی را شکل می‌دهد.<sup>۱</sup> خداوند می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»:<sup>۲</sup> [خدا] حکمت را به هر که بخواهد [و شایسته بدانند] می‌دهد و کسی که به او حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است. به همین دلیل حکما از قرآن خواندن لذت می‌برند.

قرآن بزرگ‌ترین آموزه حکمت است که از نزد خدای حکیم نازل شده است تا به بشر حکمت بیاموزد؛ از این رو فرمود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»:<sup>۳</sup> خدا بر اهل ایمان ممت گذاشت که رسولی از خودشان میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آنها علم کتاب و حقایق حکمت می‌آموزد.

#### ۴. آموزه‌های معرفتی و تربیتی

قرآن کریم خود را بزرگ‌ترین آموزگار انسان و اثرگذارترین آموزه تربیتی معرفی کرده است؛ از یک سو خطاب به پیامبر فرمود: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا»:<sup>۴</sup> خدا به تو این کتاب [قرآن] و حکمت را عطا کرده و آنچه را که نمی‌دانستی به تو پیاموخت و خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی‌اندازه است. از سوی دیگر فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»:<sup>۵</sup> اوست خدایی که میان عرب امی [یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند] پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آنها را [از لوث جهل و اخلاق زشت] پاک می‌کند و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

در این باره داستان عربی بیابان‌گرد جالب و شنیدنی است. شخصی به نام «اعصمی» نقل کرده است از مسجد بصره بیرون آمدم، ناگهان چشمم به عربی بیابانی افتاد که بر مرکبش سوار

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. بقره: ۲۶۹.

۳. آل عمران: ۱۶۴.

۴. نساء: ۱۱۳.

۵. جمعه: ۲.

بود. وقتی با من روبرو شد، گفت: از کدام قبیله ای؟! گفتم از بنی‌اصمع. گفت از کجا می‌آیی؟ گفتم: از آنجا که سخن خداوند رحمان [قرآن] را می‌خوانند. گفت برای من هم بخوان. من آیاتی از سوره «الذاریات» را برای او تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»<sup>۱</sup> و روزی شما با همه وعده‌ها که به شما می‌دهند در آسمان است. عرب گفت: کافی است و برخاست و شتری که با خود داشت، قربانی کرد و گوشت آن را میان نیازمندان تقسیم نمود. شمشیر و کمانش را نیز شکست و کنار انداخت و رفت. این داستان گذشت تا اینکه من [اصمعی] زمانی به زیارت خانه خدا رفتم و مشغول طواف بودم، ناگهان دیدم کسی با صدای آهسته مرا فراخواند؛ نگاه کردم، دیدم همان مرد عرب است که لاغر شده و رنگ از صورتش پریده است. پیدا بود که عشق آتشین بر او چیره گشته و او را بی‌قرار کرده است. وقتی مرا دید، سلام کرد و گفت بار دیگر همان سوره را برایم بخوان. هنگامی که به همان آیه رسیدم، فریادی زد و گفت ما وعده خدای خود را به‌خوبی یافتیم؛ سپس گفت آیا بعد از این هم آیه‌ای هست؟ من آیه بعد را خواندم: «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ»<sup>۲</sup> پس به خدای آسمان و زمین قسم که این [وعده و رزق مقدر] به مانند تکلمی که با یکدیگر می‌کنید حق و حقیقت است. بار دیگر فریادی زد و گفت: «يَا سُبْحَانَ اللَّهِ مَنْ ذَا الَّذِي أَعْصَبَ الْجَلِيلَ حَتَّىٰ الْجَبَّوْهُ إِلَى الْيَمِينِ»؛ به‌راستی عجیب است؛ چه کسی خداوند جلیل را به خشم آورده که اینگونه سوگند یاد می‌کند؟ آیا سخن او را باور نکردند که ناچار از قسم شده است؟ عرب این جمله را سه بار تکرار کرد و بر زمین افتاد و مرغ روحش به سوی آشیان ملکوت پرواز کشید.<sup>۳</sup>

## ۵. بایستگی تلاوت و عمل به قرآن

قرآن درباره تلاوتش نیز سخن گفته است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ»<sup>۴</sup> کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم، آن را خوانده و حق خواندن آن را [در مقام عمل نیز] بجا آورند، آنان اهل ایمان‌اند. به گفته مفسر حکیم علامه طباطبایی مراد از کتاب، قرآن

۱. الذاریات: ۲۲.

۲. همان: ۲۳.

۳. محمود بن عمر زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۴۰.

۴. بقره: ۱۲۱.

کریم است و مراد از تلاوت حقانی آن، تفقه و معرفت و عمل به احکام آن است.<sup>۱</sup> در آیه دیگر آمده است: «فَأَقْرَعُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»: آنچه از قرآن برای شما میسر است، بخوانید. در روایات نیز بر تلاوت قرآن تأکید فراوان شده است؛ از جمله رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ»: هرگاه کسی از شما دوست دارد با پروردگارش گفتگو کند، باید قرآن تلاوت نماید. از این روایت معلوم می‌شود مؤمن با تلاوت قرآن به فیض گفتگو با خداوند می‌رسد و به گونه‌ای «کلیم الله» بودن را تجربه می‌کند؛ چراکه تأثیر تلاوت قرآن به‌ویژه در جوانی روح و جان جوانان را قرآنی می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَكَانَ الْقُرْآنُ حَاجِزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: هر که در حال جوانی قرآن بخواند و باایمان هم باشد، قرآن با گوشت و خونس عجین شده است و خدای عزوجل او را با فرشتگان پیغام‌برنده و نیک‌رفتارش رفیق کند و قرآن برای او در روز قیامت پرده و مانعی در مقابل دوزخ خواهد بود.

آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله به خویشاوندان و نزدیکان و به‌ویژه به فرزندان خود سفارش می‌کرد در منزل هیچ‌وقت قرآن را دور از دسترس قرار ندهند، بلکه همیشه آن را در تاقچه و جایی بگذارند که در معرض دید باشد تا دیده شود و می‌فرمود: «یادتان نرود که هرگاه چشم‌تان به آن می‌افتد، چند آیه‌ای از آن تلاوت کنید و کوشش نمایید تا آیاتی از آن را حفظ کنید. نیز توصیه می‌کردند حتماً باوضو و طهارت قرآن را تلاوت کنید».<sup>۲</sup>

### جمع‌بندی

از مجموع آنچه اشارت رفت، مشخص شد قرآن کریم در آئینه مصفای خود جلوه و تجلی‌های خاص دارد؛ زیرا خود مُعْرِف و مفسر خویش است. گرچه در بامدادان ایام با طلوع خورشید، قرآن بر کرانه افق اندیشه‌ها، جلوه‌های تازه و تازه‌تری از حقایق قرآنی طلوع می‌کند و قرآن‌پژوهان هر کدام به نوبه خود قسبی از نور آن برمی‌دارند و جان خود را روشن می‌کنند و به جهانیان

۱. سیده محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. مزمل: ۲۰.

۳. علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۲۲۵۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

۵. علی اکبر مومنی، انس با قرآن در سیره عالمان، ص ۳۵.

روشنی می بخشد؛ ولی به گفته مولوی:

معنی قرآن ز قرآن باز پرس      وز کسی کآتش زدست اندر هوس<sup>۱</sup>

### فهرست منابع

۱. ابن عربی، محیی الدین محمد؛ فتوحات مکیه؛ بیروت: نشر دار صادر، [بی تا].
۲. اقبال لاهوری، محمد؛ کلیات دیوان اشعار؛ با مقدمه احمد سروش؛ تهران: نشر کتابخانه سنائی، ۱۳۴۳ ش.
۳. بلخی، مولانا جلال الدین محمد؛ دیوان شمس؛ تهران: نشر مستوفی، ۱۳۷۶ ش.
۴. \_\_\_\_\_؛ مثنوی معنوی؛ تهران: نشر علمی-فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسایل الشعه؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، [بی تا].
۶. زمخشری، محمود بن عمر؛ تفسیر الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل؛ تهران: ققنوس، ۱۳۹۱ ش.
۷. سلمی، أبو عبدالرحمن محمد بن حسین؛ طبقات الصوفیة؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۸. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۹. \_\_\_\_\_؛ بداية الحکمه؛ چ دوم، قم: نشر دارالمعرفة الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ بیروت: نشر دار الثقافة، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ محقق: علی اکبر غفاری؛ چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، [بی تا].
۱۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ ق.

---

۱. مولانا جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر ۵، ص ۸۵۲، بیت ۳۱۳۰.